

فیلم سینمایی «آخرین توقف در یوما» توسط ۱۶ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تأمین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد. این فیلم سینمایی در گونه جنایی و هیجانی محصول آمریکا در سال ۲۰۲۳ قرار است از شبکه چهار سیما پخش شود.

مدیر دوبله این فیلم سینمایی شراره حضرتی و صدابردار آن علی شریفی است. ارغوان افراسیاب، دانیال الیاسی، کریم بیانی، زویا خلیل آذر، سیما رستگاران، آرزو شناس، ابوالفضل شاه بهرامی،

«آخرین توقف در یوما» به ایستگاه چهار رسید



سنگ زدن به قطار در حال حرکت

چند شائبه مطرح شده درباره میزان مخاطبان صداوسیما را بررسی کردیم



نگین صادقی گروه رسانه

به قطار ایستاده سنگ نمی‌زنند؛ این عبارت را می‌توان درباره همه‌هایی که این روزها تحت عنوان تعداد مخاطبان و مرجعیت رسانه‌ای به صداوسیما وارد می‌شود، به‌کار برد. این‌که واژه همه به این سخنان اطلاق می‌شود، بنا به این دلیل است که منتقدان اصولاً بی‌دلیل و بدون استناد به آمار علمی و اسناد و

بی‌آن‌که شرایط حاکم بر رسانه‌ها در کل جهان پس از ورود و گسترش رسانه‌های نوین در نظر گرفته شود، صرفاً به اظهارنظر می‌پردازند.

در بی‌شائبه‌هایی‌که برخی رسانه‌ها مطرح می‌کنند، نگاهی به محورهای مطرح‌شده و پاسخ به آنها داشتیم.

خط مباحث و یک آدرس غلط

در ادامه همه‌های بی‌منطقی که اخیراً علیه صداوسیما با پروژه‌ای تحت عنوان کاهش میزان مخاطبان این رسانه راه افتاده در انتهای جدید بیان کردند که مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما با عبارات تند به ایسا(مرکز افکارسنجی دانشجویان)اتخته و کارش‌رایی اخلاقی رسانه‌ای دانسته است! یک آدرس غلط. با مرور پاسخ رئیس مرکز تحقیقات به اظهارنظرهای اخیر، صرفاً به نقد به تحلیل‌های غیرعلمی برخی رسانه‌ها از این نظرسنجی برمی‌خوریم. در پاسخ مطرح‌شده که نمی‌توان با استناد به نتایج نظرسنجی‌ای که از تعدادی دانشجو و آن هم به‌طور مشخص درباره تماشای فیلم و سریال آمده، به نتیجه برای کل جامعه مخاطبان تلویزیون رسید، باید در تحلیل شرایط نظرسنجی نیز لحاظ شود و بدیهی است این دانشجویان اگر در خوارگاه‌های دانشگاه ساکن باشند بیشتر با موبایل سرگرم هستند. همچنین به نتایج نظرسنجی دیگری از ایسا ارجاع داده شده که در آن میزان مخاطبان صداوسیما ۶۹/۲ درصد اعلام شده است. برای اطلاع مخاطبان، نتیجه‌ای که ایسا منتشر کرده بود نیز آورده شد: «مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسا) اردیبهشت ۱۴۰۳ طرح نظرسنجی و وضعیت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی را با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اجرا کرد. در این گزارش تغییرهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته از جمله اوقات فراغت دانشجویان، میزان استفاده دانشجویان از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، سبک موسیقی مورد علاقه، تماشای فیلم و سریال، منبع پیکچری اخبار و...». در این نظرسنجی با ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سراسر کشور مصاحبه حضوری انجام شد. در بخشی از نتایج این نظرسنجی آمده است ۱۱۷/۵ درصد از این دانشجویان فیلم باسریال مورد علاقه خود را از تلویزیون ایران می‌بینند. ۱۲/۵ درصد نیز اخبار روز را از صداوسیما دنبال می‌کنند.»

مریم شاهرودی، بهروز علی‌محمدی، شروین قطعه‌ای، کسری کیانی، نصرا... مدقالچی، علی منانی، غلامرضا مهرزادیان، بهمن هاشمی و شراره حضرتی صدایشه‌های این اثر بوده‌اند.

داستان این فیلم در دهه ۷۰ در یک منطقه دورافتاده صحرایی در شهرستان یوما در ایالت آریزونا اتفاق می‌افتد. یک مرد اتوکشیده که شغلش فروش چاقوهای آشپزخانه است در راه رسیدن به تولد دخترش در حالی که بنزین ماشینش تمام شده

در یک پمپ بنزین بین‌راهی که پس از آن تا صدها کیلومتر دیگر پمپ بنزینی نیست توقف می‌کند، اما می‌فهمد که کامیون حمل سوخت دیر کرده و پمپ کار نمی‌کند و مجبور است ساعتی در کافه کنار پمپ بنزین منتظر بماند.

آخرین توقف در یوما یک فیلم بسیار خوش ساخت پر از هیجان است که داستانش به دقت طراحی شده و یادآور آثار برادران کوئن است و می‌تواند برای عموم مخاطبان جذابیت داشته باشد.



می‌کنیم، تفاوت بسیاری دارد. باید برای هر اظهارنظری درباره «همه مخاطبان تلویزیون» یا «همه مردم ایران» داده علمی ارائه کرد. اگر منتقدان به آمار مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما ـ به‌عنوان مرکزی با سابقه ۶۰ ساله که صحت نتایج نظرسنجی‌های آن بارها اثبات شده است ـ تردید دارند، با زبان علم و آمار سخن بگویند و نتایجی معتبر ارائه دهند. اگر نتایج ایسا را هم بپذیرند و نگویند که مرکز تحقیقات صداوسیما به دلیل وابستگی به رسانه‌ملی نتایجی خوشایند خود را ارائه می‌دهد، باز باید بر آمار ۶۹/۲ درصدی مخاطبان صداوسیما که این مرکز منتشر کرد، اذعان کنند. عددی که فقط ۸/۵ درصد با عدد نتایج نظرسنجی‌های مرکز تحقیقات تفاوت دارد.

مشاهده میدانی! با چه ابزاری؟

می‌گویند آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز تحقیقات درباره تعداد مخاطبان رسانه‌ملی، شباهتی به آنچه نظرات مردمی که در جامعه می‌بینند، ندارد. سؤال اینجاست کدام مردم؟ کدام جامعه؟ اگر کسی در مجامع علمی از مشاهده میدانی سخن بگوید، حرفش چندان اعتباری ندارد. پس چطور می‌شود سازوکار نظرسنجی‌های علمی مرکزی باسابقه همچون مرکز تحقیقات رسانه‌ملی با حضور کارشناسان، بیرسشگران و پژوهشگران حرفه‌ای رازپرسؤال بردن را با مشاهدات محدود خود قیاس کرد؟ بدیهی است که ایران، فقط تهران نیست. بسیاری از رسانه‌ها در تهران متمرکز هستند و به همین خاطر فقط دایره محدود اطراف خود را می‌پیند و گمان می‌کنند نظار این جمع، نظر کل جمعیت کشور را نمایندگی می‌کند. اصول اولیه این است که وقتی در نظر داریم نتایج یک نظرسنجی را به کل کشور تعمیم دهیم، قطعاً باید کل جامعه ایران در تهران، شهرهای بزرگ و کوچک و روستا‌ها را در نظر بگیریم. مثل این است که عده‌ای می‌گفتند چرا صداوسیما در ایام انتخابات برای تهیه گزارش، سراغ مردی تراکتورسوار در یک روستای رودیابک جمع کوچک را در محل رأی‌گیری روستا نشان می‌دهد. واضح است، صداوسیما رسانه همه مردم ایران است، البته نه آن «همه» که عده‌ای باور دارند. وقتی می‌گوییم همه آیا منظور فقط جمعی است که در اطرافیان خود می‌بینیم یا در مکان‌های تجاری، تفریحی، تاکسی و صف نانوائی در شهر تهران؟

انتخابات و یک نظرسنجی دقیق

احتمالاً شیوه‌های روز دنیا در انجام نظرسنجی‌ها را قبول دارید. مرکز تحقیقات صداوسیما نیز از همین شیوه‌های علمی رایج بهره‌می‌برد (برای آشنایی با این روش‌ها می‌توانید به گزارش مفصل روزنامه جام جم درباره چندچون کار این مرکز رجوع کنید که سوم مرداد ۱۴۰۳ منتشر شده است). نتایجی که پیش از این در زمان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نیز درباره میزان مشارکت ... ارائه داد، با ضربی خطای اندک، نزدیکی بالایی به واقعیت داشت و نشان از فعالیت حرفه‌ای و بدون سوگیری دارد. ارقام و آمار خود گویا هستند، پس نمی‌توان با فالتالی و بدون ارائه مدرک، اساس کار مرکز رازپرسؤال برد.

مسأله مرجعیت خبری

دروازه‌ای حساس منطقه که باید حواس مان به دشمن مشترک و جنایات او باشد، عده‌ای با طرح مسائل نادرست درباره مرجعیت اصلی‌ترین رسانه کشور سعی در انحراف افکار عمومی دارند. پس مسأله‌ای که به یکباره و دمام در رسانه‌ها مطرح می‌شود، تعداد مخاطبان صداوسیما نیست که اگر نقد سازنده و برخاسته از دلایل متقن بود، قابلیت پذیرش داشت. فقط جریان‌اتی است از یک منبع مشخص برای دور شدن اذهان از دشمن مشترک، در این مورد به نتایج نظرسنجی درباره پاسخ موشکی ایران به رژیم صهیونیستی اشاره می‌کنیم که نه از طرق مرکز تحقیقات صداوسیما که از سوی «مرکز تحلیل اجتماعی مئا» انجام شده است. طبق نتایج بخشی از این نظرسنجی ۸۲/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند عملیات وعده صادق ۲ موفق بوده است. بیرش اینجاست که این تعداد، اخبار مربوط به این موفقیت ایران را از کدام منبع خبری دنبال کردند؟ آیا از رسانه‌های خارجی و فضای مجازی؟ رسانه‌های خارجی که ضد عملیات ایران سخن گفتند و بر پیروزی آن اتفاق نظر نداشتند! این صداوسیما بود که به پوشش لحظه به لحظه این رویداد پرداخت. چطور می‌توان بر این آمار که مستقیم و غیرمستقیم بر مرجعیت این رسانه صحه می‌گذارد چشم تأمین و پیش می‌شوند و در فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شوند، رامنفع از عملکرد این رسانه دانست؟ اگر هم با اغماض چنین باشد، باز به تغییرات جهانی در حوزه رسانه با گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بازی کرد و متعصب به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیست. بسیاری از رادیو و تلویزیون‌های جهان با آن مواجه هستند.

آوا

انتشار کتاب گویای

«غزه از بازگشت می‌نویسد»

مساله فلسطین به اولویت اول این روزها تبدیل شده و نویسندگان بسیاری سراغ آن رفته‌اند. حالا کتاب گویای «غزه از بازگشت می‌نویسد» در پایگاه ایرانصدا منتشر شد. پایگاه ایرانصدا مرجعی برای شنیدن کتاب‌های گویاست و بر همین اساس، کتاب جدیدی را منتشر کرده که شامل ۱۵ داستان از جوانان فلسطینی است که هرکدام بخشی از آنچه را که در سرزمین شان در حال رخ دادن است، در قالب داستان روایت کرده‌اند. نویسندگان این داستان‌ها جوانان ۲۰ ساله‌ای هستند که گرچه صدای بعب و گل‌وله و برنامه‌های عامدانه اسرائیل هم‌راهِ تک‌تک لحظات زندگی آنها بوده، اما داستان‌هایشان به‌ما می‌آموزد که چگونه باید روحی تسخیرناپذیر و اراده‌ای ناگسستنی داشت. این جوانان درحقیقت نسل بعدی نویسندگان و اندیشه‌وران فلسطینی هستند. سوزان ابوالهوا، نویسنده رمان پرفروش زخم زیتون، در یادداشتی در این کتاب آورده است: «آنچه که از انسانیت ناب، ترجم و مبارزه جویی جوانان فلسطین در این مجموعه از داستان‌های کوتاه می‌خوانیم، گواه انعطاف‌پذیری، مقاومت و زیبایی مردمی است که در هر نقطه‌ای از جهان مورد خشونت و ظلم قرار گرفته‌اند». کتاب گویای غزه از بازگشت می‌نویسد از نشانی: IRANSEDA.IR رایگان قابل دریافت است.

دندان درد شیر

مریم فلاح: در این کارتون که مضمونی آموزشی داشت،

می‌دیدیم شیر که به‌عنوان سلطان جنگل معمولاً در نظر کودکان حیوانی قدرتمند معرفی می‌شود، دچار دندان‌دردی شدید شده، آن‌قدر که روی پاچش بند نمی‌شد اما حیواناتی چون زرافه، تمساح، ببر و اسب‌آبی که معمولاً به لحاظ قدرت در رده‌های پایین‌تر حیوانات جنگل قرار دارند همگی دندان‌هایی سالم داشتند و حالا درصدد اقدامی برای بهبود دندان‌درد شیر بودند.

درحالی‌که زرافه سرش را داخل دهان شیر کرده بود تا دندان‌خراب را شناسایی کند، ببر را می‌دیدیم که مشغول مسواک‌زدن بود. تمساح هم

دندان‌های سفیدش را نشان می‌داد و روبه دوربین به‌چه‌ها می‌گفت که هر روز مسواک می‌زند و بعد دندان‌هایش جلوی دوربین برق می‌زد.

کی‌وانگدا اسکن کنید

جام جم

رسانه MEDIA

یکشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۳ ۴۸۸۵ شماره

روایت

امیر داساکر اکارگردان تلویزیون و سینما

مجموعه یادداشت‌های سفر به لبنان/بخش دوم

قتلگاه سید



آن روز عصر، باماشینی که تعدادی غذا آماده کرده بود و به عده‌ای از مهاجران جنگ می‌رساند، همراه بودم! اصلاً قصد رفتن به روضه‌الشهدا را نداشتم! امانمی‌دانم چه شد که دیدم سر خیابان روضه هستیم. حدود نیم

ساعت به اذان بود، گفتم زارتی می‌کنیم و برمی‌گردیم! به روضه که رسیدیم، مراسم تشییع یکی از شهدا در جریان بود! برخلاف مراسم خاکسپاری قبلی، در این مراسم، مداحی خیلی زیبایی خوانده می‌شد و مراسم خیلی پرشور بود! و حدود ۴۰۰-۲۰۰ نفر در آنجا بودند. اندکی بعد همه ساکت شدند تا تلقین خوانده شود که یک دفعه، صدای دو انفجار بلند شد. خیلی نزدیک بود. فکر کردیم نهایت ۵۰ متر آن طرف‌تر می‌زنند. به فاصله کمتر از دو ثانیه، سیل انفجارهای بعدی شروع شد همه شروع کردند به خروج از روضه، هنوز نمی‌دانستیم چه خبر شده. به خیابان که وارد شدیم، دود عظیم انفجارها را دیدیم. بچه‌ها جیغ می‌کشیدند و گریه می‌کردند. خانمی را دیدم که خشمگین فریاد می‌کشید و دشمن را لعن می‌کرد و اشک می‌ریخت! مردی دوباروی دختر حدود هفت هشت‌ساله‌اش را گرفته بود و در حالی که می‌ریزد از معرکه دورش می‌کرد. حس آن لحظه‌ها عجیب بود. نمی‌دانم آیا تمام شده ماجرا یا چند لحظه بعد ادامه پیدا می‌کند. ضریان قلبم بالا رفته بود. نهایت هفتصد هشتصد متر فاصله داشتم با محل بمباران. بافرهاد تماس گرفتم. داد می‌زد که بیامت محل انفجار. شروع کردم و کرم و کرم‌کرم دیدم. همه جا به هم ریخته بود. صدای آمبولانس‌ها خیلی زود بلند شده بود. شدت انفجار شوکه‌کننده بود. هرچه به محل حادثه نزدیک می‌شدم، آثار بیشتری ازش دیده‌ام شد.



رسیدم به بیمارستان هم‌هم که حدود ۳۰۰ متر بالاتر از محل حادثه بود. آمبولانسی رسید، ایستادم بینم چه چیزی راییده می‌کند. زنی بود با دو فرزندش؛ یک دختر و یک پسر که هر دو زیر ۱۰ سال و آغشته به خاک و دوده بودند. خدا را شکر روی پا بودند. سریع به داخل منتقل شدند. دوباره دیدم، در ۱۰۰ متری محل انفجار، کوچه‌ای بود. با این‌که بین این کوچه و محل انفجار چندین ساختمان بلند بود، سه حفره بزرگ به قطر حدود هشت متر و عمق سه متر ایجاد شده بود. ساختمان‌های دو طرف را دیدم، تقریباً سالم بودند، بعداً دوست با تجربه‌ای گفت این اثر موج انفجار بوده، بالاخره رسیدم. أسفالت خیابان اصلی متلاشی شده بود. تا فاصله حدود ۵۰ متر زمین زیر و رو تلی از خاک ایجاد شده بود. آتش نشان‌ها و امدادها گرها خیلی زود رسیده بودند. تعدادی از مردم عادی هم بودند و سیل آمبولانس‌ها چندان ماشین مجاله شده بود و تا صد متر روبه‌روی محل انفجار همه جای‌راز خاک و خاکستر شده بود. به فرهاد زنگ زدم که در انتهای کوچه باریک منتهی به محل اصلی بمباران ایجاد شده بود. به من که رسید بدون هیچ مقدمه‌ای گفت: سید روزنر امیر! فرهاد خبر را از جایی ندیده بود ولی حجم و قدرت انفجار و مقایسه با ترورهای روزهای قبل، این فکر را به ذهنش رسانده بود. سعی کردم به حرفش فکر نکنم؛ فضا هم آفتدر عجیب و غریب بود که دنبالش رفتم بالای تل خاک. اندکی بعد در حالی که هوا کاملاً تاریک بود، راه انقادم سمت مسجد. به بیمارستان رسیدم، ۲۰-۳۰ نفر بالباس پرسنل بیمارستان و تخت و برانکارد منتظر رسیدن آمبولانس‌ها بودند! فهمیدم بیرون آوردن پیگر شهدا خیلی کار خواهد برد، نماز مغرب را خواندم و همچنان در بهت روی فرش سرخ مسجد دراز کشیدم. هنوز نمی‌دانستم آنچه دیده‌ام، قتلگاه سید مقاومت بود. هیچ وقت فکر نمی‌کردم، لحظه معراج سید، در منتقلش حاضر باشم!



متن کامل

خاطرات کاغذی

